



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

181

برای  
یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

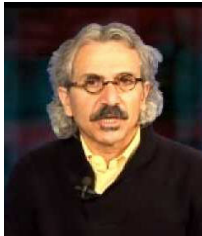
Weekly publication of Worker - communism Unity Party

1389 17 آذر 2010 - 8 دسامبر

چهارشنبه ها منتشر میشود

e.mail: [siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

سر دبیر: سیاوش دانشور



### گفتگوهای پیرامون کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری

صفحه 3

علی جوادی



### یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور



### بحران عمیق سرمایه داری آینده ای سیاه، یک فرصت طلایی

صفحه 5

آذر ماجدی

16 آذر 89:

### کشمکش ادامه دارد!

### قانون مجازات اسلامی، وحشیگری رسمی و شرعی نظام اسلامی

صفحه 7

مهرداد کوشا

### برخورد "چپ" به سرکوب کارگران

صفحه 9

سیاوش دانشور

امسال روز دانشجو نقطه تلاقی روندهای سیاسی مختلفی بود. حکومت اسلامی که هر روزش با وحشت سپری میشود قبل از 16 آذر به دستگیری فعالین دانشجویی و نظامی کردن دانشگاهها و ایجاد وضعیت امنیتی فوق العاده رو آورد و در عین حال تلاش داشتند که وانمود کنند بر اوضاع مسلط اند. هدف جمهوری اسلامی از سر گذراندن اینروز بود و برای اینکار همه جا را مملو از بسیجی و نیروهای امنیتی کرده بود. جریان مرده و شکست خورده سبز نیز تلاش داشت در 16 آذر امسال با اتکا به تشکلهای دست راستی و بی آبروی تحکیمی و اسلامی مانور بدهد و دستکم در دانشگاه خودی نشان دهد. جریانات چپ دانشجویی که قبلمتر قلع و قمع شده بودند نیز امکان حضوری سازمانیافته و متمایز پیدا نکردند.

جمهوری اسلامی علیرغم فضای امنیتی و دستگیریهایی قبل از 16 آذر و روز 16 آذر در شهرهای مختلف عملاً نتوانست جلوی اجتماعات دانشجویان را بگیرد و اجتماعات بزرگ و کوچک متعدد در دانشگاههای تهران، قزوین، مشهد، شیراز، گیلان، کرمانشاه، زاهدان، همدان و تبریز برگزار شد. همینطور در اینروز مراسمهای فرمایشی حکومتی مجال پیدا نکردند و برخی از برنامه ها یا لغو و یا با اعتراض روبرو شد. لذا حکومت در دانشگاه توسط بسیجی و اطلاعاتی و سرکوبگران نمایندگی شد و شعار اساسی "بسیجی برو گمشو" و "مرگ بر دیکتاتور" بود. جریانات دانشجویی طرفدار جناح مغضوب حکومت نیز نتوانستند 16 آذر را وسیله جنگ جناحی کنند. علیرغم تلاشهایی که شد حضورشان بسیار کم رنگ بود و از

صفحه 2

### اطلاعیه دوم کنگره اول حزب

لیست کاندیداهای انتخابات سراسری

### برای شهلا جاهد

صفحه 8

بهار ابراهیمی

در صفحات دیگر: کارگران صنعت نفت و تمهیدات سیاسی رژیم، اخراج کارگران عسویه به جرم "اخلال در پروژه های ملی"، نیروگاه برق اصفهان، پالایشگاه اصفهان، انرژی اتمی نطنز، کارگران انرژی اتمی روشن دشت، دستمزه های معوق کارگران جنرال مکانیک، دستمزدهای معوق کارگران دنیای تصویر هنر، حکم زندان برای رضا رخشان مدیر سندیکای هفت تپه، کارگران زندانی سندیکای واحد، تظاهرات در دفاع از کارگران زندانی، سخنرانی آذر ماجدی در دانشگاه بریستول، و ...

16 آذر 89:

کشمکش ادامه دارد ...

## صنعت نفت

## تمهیدات سیاسی و بی نتیجه

بنا به اخبار دریافتی، سیاست جدید مدیریت شرکت نفت در بخش پالایشگاه ها بر این مبنا قرار گرفته که بیش از پیش مدیریت را از دست متخصصین با سابقه خارج کرده و مستقیماً به دست عوامل بسیجی و حزب الهی تربیت شده در شرکتهای مهندسی نفت و گاز قرار داده اند. این سیاست در شرکت نفت جدید نیست اما در دوره اخیر سرعت سرسام آوری گرفته است.

همینطور در سراسر ایران، به تمام کارکنان شرکت نفت اعم از بازنشسته و کارکنان شاغل، یک میلیون تومان در اوایل آبان ماه امسال به حسابهایشان تحت عنوان "حق نفت" واریز کرده اند. این را بخوانید باج سبیل برای ساکت کردن کارگران صنایع نفت! این موضوع در کل ایران از تهران، اصفهان، بندرعباس، خوزستان، از پالایشگاه ها تا شرکت پخش سهامی عام و خاص، خطوط لوله، شرکت گاز و ملی حفاری، و طرح اقماری بوده است. لازم به ذکر است که این پول فقط به کارکنان رسمی شرکت نفت داده شده و شامل حال کارگران پیمانی و قراردادی نشده است.

کنترل صنایع نفت، جلوگیری از هر گونه اختلالی در روند استخراج و تولید نفت و محصولات جانبی و صادرات آن یک سیاست قدیمی جمهوری اسلامی است. حتی در این مراکز تشکیل نهادهای پلیسی ضد کارگری مانند شورای اسلامی ممنوع بوده است. با اینحال اعتراضات کارگری و نارضایتی در مراکز نفتی رو به رشد است. هر روز به دلیل فرسودگی صنایع و پائین آمدن استانداردهای ایمنی کار و سیاست صرفه جوئی، انفجارها بیشتر میشود و جان تعداد بیشتری از کارگران و کارکنان نفت را میگیرد. صنایع نفت از درون دارد نابود میشود و ظرفیت تولید روز به روز کاهش می یابد. نفس سر پا نگهداشتن صنایع فرسوده کنونی با انواع مشکل و همینطور پیامدهای خونبار برای کارگران شرکت نفت روبرو بوده است.

به طریق اولی این تمهیدات سیاسی و امنیتی، آنهم در متن بحران و ورشکستگی و فلج اقتصادی، دردی از جمهوری اسلامی دوا نمیکند. کارگر نفت دیر یا زود بار دیگر به "رهبر سرسخت" جامعه تبدیل خواهد شد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

14 آذر 1389 - 5 دسامبر 2010

جانب بیشتر دانشجویان مورد استقبال قرار نگرفتند. نهایت کاری که کردند آوردن چند متر پارچه سبز، در آوردن صدای بیرمقی از "میر حسین یا حسین"، و پخش ویدئوی خاتمی در مراسمی توسط انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی بود که مانند خامنه ای دانشجویان را به با آوردن کسل کننده به مسالمت جوئی با حکومت اسلامی دعوت میکرد.

فقدان حضور سازمانیافته چپ در شکل دادن به اجتماعات و پلاتفرم 16 آذر و فضای بشدت امنیتی و دستگیریها موجب شد که دانشجویان معترض عمدتاً سرود بخوانند، نفیاً اعلام کنند که تسلیم نشده اند، فریاد بزنند "دانشجو میمیرد، ذلت نمیپذیرد"، و علیه اختناق و دیکتاتوری و عوامل بسیجی سرکوبگر شعار بدهند. در اینروز از دانشجویانی که در کهریزک و در جریان رویدادهای سال 88 زیر شکنجه جان باختند، مانند اشکان سهرابی و امیر جواد فر، و دانشجویان زندانی یاد شد و در مواردی شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد سر داده شد.

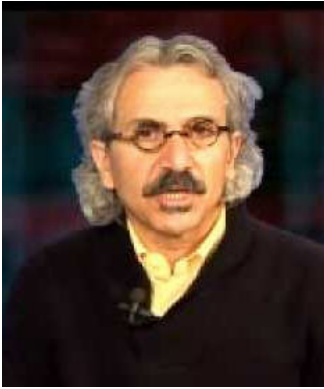
16 آذر مهر امسال نه مهر و نشان حکومتیها و نه اپوزیسیون درباری و نه چپ دانشگاه را برخورد داشت. آنچه روی داد بیان این واقعیت بود که کشمکش ادامه دارد. اگرچه چپ را سرکوب کردند اما بالائینها نیز نتوانستند دانشگاهها را تسخیر کنند و با ضد انقلاب فرهنگی دوم دانشگاه را به حوزة و مسجد و پادگان تبدیل کنند. 16 آذر امسال نشان داد بمجرد هر تغییر در تناسب قوا اعتراض رادیکال و پلاتفرم چپ قد علم میکند و تمهیدات تاکنونی جناح های مختلف حکومت نتیجه ای بیار نیآورده است و دانشگاه را، مانند بقیه جامعه، تنها با سرکوب مستمر و حکومت نظامی میتوانند موقتاً کنترل کنند. اما مسئله اینست که همین کنترل به سکوت و تسلیم و گردن گذاشتن به ارتجاع اسلامی منجر نشده است. تغییر فضا و تناسب قوای کنونی به نفع آزادیخواهی و برابری طلبی و سوسیالیسم در دانشگاهها در گرو عروج مجدد جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم اسلامی و بمیدان آمدن کمونیسم طبقه کارگر علیه اوضاع موجود است. \*

تمام فلاسفه تاکنون جهان را تفسیر کرده اند،  
حال آنکه مسئله بر سر تغییر آنست!

کارل مارکس

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم،  
بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلائی تبدیل میشود!

منصور حکمت



خارج کرده است. این تغییرات متعاقبا هر چه بیشتر نقش و وظایف خطیرتری را در مقابل حزب اتحاد کمونیسم کارگری در پیروزی جنبش کمونیسم کارگری قرار می‌دهند.

کنگره باید حزب را در متن تغییر و تحولات سیاسی جامعه قرار داده و وظایفش را مورد بررسی قرار دهد. پراتیک و سیاست‌های این حزب برای پیروزی کمونیسم کارگری را شفاف مطرح کرده و ملزومات و راه پیروزی را روشن کند. این توقعی است که من بمثابة یک عضو این حزب از کنگره آن دارم.

**یک دنیای بهتر: حزب اتحاد کمونیسم کارگری** حزبی نیست که چشم بر حقیقت ببندد، نقاط ضعف خود را ببوشاند و پیرامون نقاط قوت خود جنجال برپا کند. شما نقاط ضعف و قوت این حزب را کدامها میدانید؟

**علی جوادی:** منم دوست دارم تاکید کنم که حقیقت گویی یک مشخصه جنبش کمونیسم کارگری است. ما نمیتوانیم سرمان را در برف کنیم و دنیای پیرامونی و یا معضلات راه پیشروی خود را نبینیم. در عین حال هم جریان عرفانی و شرق زده نیستیم که پیشرویها و نقاط قوت خود را نبینیم و به جامعه اعلام نکنیم. ما نقاط ضعفمان را میشناسیم و برای رفع آنها تلاش میکنیم. نقاط قوتمان را هم میشناسیم و بر مبنای آن میسازیم و به جلو میرویم. با این توضیحات اجازه دهید که رک

## گفتگوهای پیرامون کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری

نیستند یا نشان داده اند که بدون نابودی شیرازه جامعه توان آنرا ندارند. راستش اگر هم توانش را داشتند، آینده ای جز تداوم استثمار خشن طبقه کارگر و مردم کارکن و ترکیبی از ناسیونالیسم خرافه پرست و اسلام زدگی برای ارائه به جامعه نداشتند. اکنون جامعه ناچار است بیش از هر زمان دیگری راه خلاصی و رهایی خود از شر رژیم اسلامی و دستیابی به آزادی و برابری و رفاه همگان را در نقش طبقه کارگر و کمونیسم کارگری جستجو کند. این واقعیت را باید به پرچم و پراتیک سیاسی جامعه ترجمه کرد. و این نقش بیش از هر زمان دیگر بر دوش حزب اتحاد کمونیسم کارگری قرار گرفته است.

۲- از طرف دیگر جنبش کمونیسم کارگری تغییرات ویژه و مهمی را از سر گذرانده است. مرگ نابهنگام منصور حکمت یک نقطه عطف در سیر تحولات این جنبش و یک ضربه جبران ناپذیر بر پیکر آن بود. انشعابات بعدی در حزب کمونیست کارگری، چرخش به راست حزب کمونیست کارگری تحت رهبری کنونی حمید تقوایی، تغییر مهمی در صفوف این جنبش بود. این حزب دیگر تعلق چندانی غیر از یک تعلق ظاهری و اسمی به کمونیسم کارگری ندارد. پراتیک و سیاستهای هر چه بیشتر به ناسیونالیسم چپ پرو غربی نزدیک شده است. بی جهت نیست که ناسیونالیستها برای چرخش اجتماعی این جریان به راست هورا میکشند و پلاتفرم در اختیارشان قرار میدهند. از سوی دیگر حزب "حکمتیست" در جهت مخالف از سیاستهای اصولی و چهارچوبهای پایه ای این جنبش دور شد. حاشیه ای و از تحولات سیاسی جامعه به کناری زده شد. یک حزب بی تاثیر که بنا به ادعای رهبرانش هیچ تاثیری در سوخت و ساز طبقه کارگر و جامعه ندارد. تحولات اخیر عملا این دو حزب را از جنبش کمونیسم کارگری عملا

نفرت و کینه از کمونیسم منصور حکمت و همچنین دوستی و علاقه به سیاستهای این کمونیسم به طرف حزب ما روانه شده است. سیاستهای در محافل و بخشهایی از طبقه کارگر شناخته شده و مقبول است. نتیجتا لازم است که هر چه زودتر کنگره خود را برگزار کند و شکل و شمایل کامل یک حزب تمام عیار سیاسی مارکسیستی را بخود بگیرد. کنگره به این اعتبار یک حلقه اساسی در شکل بخشیدن به پیکره حزب اتحاد کمونیسم کارگری است. این نقش ویژه کنگره اول حزب در حیات سیاسی جریان ماست. اما این کنگره در عین حال در شرایط سیاسی ویژه ای در جامعه و جنبش کمونیسم کارگری برگزار میشود. این شرایط مهر خود را از هم اکنون بر کنگره ما زده و مسلما تاثیرات بیشتری خواهد داشت. به چند مساله در این رابطه باید اشاره کرد.

۱- جامعه یک تحول بزرگ اجتماعی را از سر گذرانده است. یک خیزش عظیم توده ای، یک تلاش سترگ برای سرنگونی رژیم اسلامی. اما در نیمه راه مانده است. شکست نخورده است، موفق هم نشده است. به قول منصور حکمت کماکان در پلکان آخر است. حلقه و پلکان بعدی سرنگونی محتوم رژیم اسلامی است. تجربیات ناکتونی و تجربه مشخص دوره اخیر نشان داده است که سرنگونی رژیم اسلامی هر چه بیشتر به چگونگی قدرت نمایی و حضور سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر و کمونیسم کارگری در جامعه گره خورده است. سایر جنبشهای اجتماعی یا خواهان سرنگونی رژیم

**یک دنیای بهتر: کنگره اول حزب** در راه است. برگزاری این کنگره چه جایگاه خاص و چه جایگاه عامی در سیر تحولات سیاسی - تشکیلاتی حزب اتحاد کمونیسم کارگری ایفا میکند؟

**علی جوادی:** کنگره حزب بنا به تعریف بالاترین و یا عالی ترین مجمع حزبی است که بنا به اصول سازمانی حزب در فواصل هر دو سال یکبار باید تشکیل شود. به این اعتبار برگزاری کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری گامی در جهت قوام و تحکیم ساختارهای حزبی بر مبنای اصول سازمانی حزب و پرداختن به یک امر روتین در سوخت و ساز یک حزب انقلابی مارکسیستی از نوع حزب ما است. از این زاویه برگزاری کنگره اول حزب پرداختن به یک امر روتین حزبی است.

اما از آنجائیکه حزب اتحاد کمونیسم کارگری در شرایط بسیار ویژه ای تشکیل شد و از دل یک مبارزه سخت سیاسی و نظری از درون حزب کمونیست کارگری بیرون آمد، تشکیل کنگره حزب به سادگی در همان ابتدای شکل گیری به دلایل متفاوت ممکن نشد.

اکنون بیش از سه سال از تشکیل و فعالیت روتین حزب میگذرد. حزب اتحاد کمونیسم کارگری مهر سیاسی خود را بر تحولات بسیاری در جامعه زده است. یک حزب شناخته شده، صاحب نظر، و با پراتیک روشن کمونیستی و کارگری در جامعه است. در همین چند سال جایگاه ویژه ای در سیاست جامعه به خود اختصاص داده است. پرچمدار کمونیسم معینی است، کمونیسم کارگری منصور حکمت. به همین علت هم

## گفتگوهای پیرامون کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری ...

و صریح به سؤال شما بپردازم. از نقاط ضعف حزب شروع میکنم.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری باید قوی شود. باید بزرگ شود. باید نیرومند شود. این یک نقطه ضعف جدی حزب است. پیشبرد بسیاری از پروژه های حزبی به میزان قدرت حزبی و اجتماعی ما گره خورده است. حزب ما در مدت سه سال گذشته علیرغم جو سنگینی که علیه این کمونیسم رادیکال و افراطی شکل گرفته، توانسته است نقش مهم و بعضا تعیین کننده ای در پیشروی کمونیسم افراطی و زمینی در تحولات سیاسی جامعه و طبقه کارگر داشته باشد. واقعیت این است که نفوذ اجتماعی و سیاسی حزب بسیار فراتر از قدرت تشکیلاتی و توان سازمانی آن است. این مساله هم خوب است هم بد است. خوب است، چرا که نشاندهنده پیشروی سیاسی حزب و جایگیر شدن آن در سوخت و ساز سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر و جامعه است. بد است، چرا این نفوذ به قدرت تشکیلاتی و توان سازمانی ترجمه نشده است. این ضعف را باید برطرف کرد. باید حزب را گسترش داد. باید به تعداد اعضا و محافل و شبکه های عضو آن افزود. باید قدرت سیاسی و سازمانی آن را افزایش داد. ابزارهای سیاسی و تبلیغاتی آن را بیشتر کرد. ما باید در چهارچوب سیاستهای "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب جامعه" حلقه های پیشروی سازمان حزبی مان را تعریف و برای آن برنامه ریزی کنیم. ما واقفیم که توان تشکیلاتی مان محدود تر است. اما در عین حال هم واقفیم که احزاب کوچک در تحولات بزرگ اگر بلند قامت عمل کنند، بزرگ خواهند شد. و بر عکس احزاب بزرگ بسیاری را هم میشناسیم که در جریان تحولات بزرگ بسیار

کوچک و کم نفوذ شده اند. اگر خلاصه کنم یک حلقه ضعفی که باید بر آن فائق آمد مساله ابعاد تشکیلاتی و توان تشکیلاتی حزب است. گسترش، گسترش، گسترش، باید یک محور عمده فعالیت حزبی در دوره بعد از کنگره باشد.

اما این گسترش در درجه اول معنای طبقاتی روشن و داده شده ای دارد. برای ما بسیار مهم است که در کجای جامعه و در کدام گوشه ای گسترش پیدا میکنیم. ما گسترش خود را اساسا در صفوف طبقه رادیکال - سوسیالیست طبقه کارگر و انقلابیون کمونیستی جستجو میکنیم که برای دگرگونی ریشه ای این جامعه تلاش میکنند.

مساله دیگر معضل سازماندهی و رهبری در جنبش کمونیسم کارگری و در جامعه است. کمونیسم ما کمونیسم پراتیک است. پراتیک و سازماندهی حزبی و کمونیستی یک ویژگی کمونیسم ماست. کمونیسمی که در صفوف طبقه کارگر جایی نداشته باشد، کمونیسم نیست. حزبی که مدعی کمونیسم است اگر نتواند رد پا و تأثیرات خود را در متحد و متشکل کردن طبقه کارگر و تامین هژمونی آن در جامعه پیدا کند، حزب کمونیستی کارگری نیست. حزبی که نتواند بمثابة حزب سازمانده و رهبر عمل کند، حال در هر بعدی، حزب کمونیستی کارگری نیست. خوشبختانه حزب اتحاد کمونیسم کارگری علیرغم معضلات پیشرو در این عرصه به درجاتی موفق بوده است. اما این موفقیت بهیچوجه رضایت بخش نیست و برای

پیشروهای جدی و تعیین کننده بعدی کافی نیست. ما باید بتوانیم به حزب سازمانده کمونیسم کارگری و طبقه کارگر تبدیل شویم. حزبی که میتواند مقاومت و همچنین تعرض طبقه کارگر را در ابعاد روشنی سازماندهی و رهبری کند. حزبی که باید به حزب سیاسی طبقه کارگر تبدیل شود و به این اعتبار در جامعه نقش کلیدی و رهائی بخش خود را ایفا کند. ما در این دوره از حیات سیاسی خود این حلقه را باید با تمام قدرت در دست بگیریم. حلقه های پیشروی مان را باید تعریف کنیم. باید بتوانیم به حزب تأثیر گذار و سازمانده در ابعاد همه جانبه آن تبدیل شویم. در مسیر رشد خوبی داشته ایم اما راهی که باید پیموده شود بسیار طولانی تر از راه طی شده تا کنونی است.

یک سؤال این است که این مسیر را چگونه باید طی کرد. پاسخ ما روشن است: ما باید به حزب در برگزیده رهبران رادیکال - سوسیالیست طبقه کارگر تبدیل شویم. تأثیر گذاری ما در جامعه تنها و تنها از این کانال میسر است. و این حلقه ای است که در این مدت در دست داشته ایم. موفقیتهای تاکنونی مان هم ناشی از تأکید بر این سبک کار و تلاش بوده است. میتوان نقاط ضعف و قوت دیگری را هم بر شمرد. اما دو مساله را که بر شمردم به نظرم عمده ترین مسایل ما در دوره آتی هستند.

**یک دنیای بهتر:** موفقیت کنگره از نقطه نظر شما منوط به پاسخگویی به کدام مسائل و معضلات پیشروی حزب است؟

**علی جوادی:** کنگره باید بتواند قطعنامه های روشنی در باره اوضاع سیاسی و وظایف حیاتی حزب اتحاد کمونیسم کارگری تصویب کند. کنگره باید به معضل سازماندهی طبقه کارگر و مساله هژمونی کمونیسم کارگری در این جنبش بپردازد و وظایف و اولویتهای سبک کاری ما را باز تعریف و تدقیق کند. همچنین ما باید بطور روشنی ملزومات پیروزی بر جمهوری اسلامی را تعریف و راهکارهای خود را برای پیشروی تعریف کنیم. این بنظر من اهم مسائلی است که کنگره حزب ما باید بر آن تأکید بگذارد. در عین حال از آنجائیکه این اولین کنگره حزب پس از سه سال فعالیت و کار حزبی است، باید نگاهی به راه آمده انداخته و مسیر تاکنونی را بررسی کند.

اما شاید مهمتر افق و آینده و پراتیکی باشد که کنگره باید در مقابل حزب قرار دهد. بنظر من ساختن یک حزب کمونیستی سازمانده و رهبر در ابعاد چشمگیر و قابل اتکاء اساس کاری است که ما پیش رو داریم. \*

### کارگر زندانی،

### زندانی سیاسی آزاد باید گردد!





سپتامبر یک اعتصاب عمومی در اسپانیا سازمان یافته بود.

### جنبش اجتماعی با رهبری کارگری در فرانسه

فرانسه مهمترین مرکز اعتراض توده ای و کارگری بود. در فرانسه در اعتراض به بالا رفتن سن بازنشستگی از 60 به 62 یک جنبش وسیع و توده ای به رهبری اتحادیه های کارگری سازمان یافت. اعتصابات گسترده و تظاهرات و راهپیمایی های میلیونی اقتصاد و زندگی را در فرانسه مختل کرد. چنین جنبش وسیع توده ای از ماه مه 68 در فرانسه بی سابقه بوده است. یک جنبه بسیار مهم اعتراضات در فرانسه قرار گرفتن طبقه کارگر در رهبری یک جنبش اجتماعی و توده ای برای رفاه و عدالت اجتماعی بود. جوانان، دانش آموزان و دانشجویان در این جنبش نقش بسیار وسیعی ایفاء کردند. (جنبش اعتراضی فرانسه در شماره های پیشین یک دنیای بهتر مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است).

اتحادیه های کارگری جمهوری چک در 30 نوامبر اطلاعیه ای صادر کردند مبنی بر اینکه در روز 8 دسامبر کارکنان بخش دولتی و خدمات در 19 شهر در اعتراض به کاهش دستمزدها به میزان ده درصد و کاهش خدمات رفاهی و بهداشتی دست به اعتصاب و تظاهرات خواهند زد. کارکنان آتش نشانی، از آنجا که بعثت قوانین منع اعتصاب در این بخش نتوانستند در این اعتصاب عمومی شرکت کنند، روز 15 دسامبر یک

## بحران عمیق سرمایه داری آینده ای سیاه، یک فرصت طلایی

آئر ماجدی

دیگر، کاهش دستمزد، حق بازنشستگی، اخراج و غیره در دستور دولت است. در روزهای اخیر هزاران نفر در ایرلند در اعتراض به این سیستم ریاضت کشی به خیابان ها آمده اند. روز 27 نوامبر به فراخوان کنگره اتحادیه های کارگری ایرلند حدود 50 تا 150 هزار نفر در شهر دوبلین دست به تظاهرات زدند.

### در اطاق انتظار

پرتغال و اسپانیا دو کشور دیگری هستند که هر روز انتظار اعلام فروپاشی سیستم اقتصادی شان می رود. نرخ بیکاری در اسپانیا به 20 درصد رسیده است. بیکاری و گرانی و کاهش دستمزدها فی الحال موقعیت بسیار سخت و وخیمی را بر بخش وسیعی از مردم این دو کشور تحمیل کرده است. علیرغم انکار دولت های این دو کشور پیش بینی می شود که پرتغال و اسپانیا نیز به زودی به جرگه یونان و ایرلند بپیوندند. دولت ایرلند نیز تا روز پیش از درخواست کمک از اتحادیه اروپا وخامت اوضاع را انکار می کرد.

روز 24 نوامبر پرتغال شاهد یک اعتصاب عمومی بود که بسیاری از خدمات را مختل کرد. دو اتحادیه بزرگ کارگری سی جی تی پی و یو جی تی مشترکا اعلام اعتصاب کردند. این اقدام از سال 1988 رخ نداده بود.

چند روزی است که بعثت اعتصاب کنترل کنندگان هوایی، پروازهای هواپیماهای تجاری کاملا مختل شده است. دولت اسپانیا پس از حملات تبلیغاتی علیه اعتصاب کنندگان ارتش را برای از سر گیری پروازها بکار گرفت. روز 29

دولت یونان بدنبال توافق با اتحادیه اروپا و صندوق بین المللی پول، در ازاء دریافت 110 میلیارد یورو، حذف بسیاری از اقلام رفاه اجتماعی و کاهش بودجه در بخش های دیگر از جمله بهداشت و درمان، بازنشستگی و خدمات به معلولین، کاهش دستمزدها، اخراج و افزایش مالیات بر دسترنج مردم زحمتکش را در دستور گذاشته است.

روز 25 نوامبر هزاران تظاهر کننده در اعتراض به سیاست های ریاضت کشی دولت، در مرکز شهر آتن راه پیمایی کردند. مردم بنرهایی با شعارهای: "نه به اخراج، بدهی را خط بزنید" و "دیگر بس است، تحمل ما بسر آمده" در دست داشتند. همچنین در ماه پیش بازنشستگان و معلولین در اعتراض به سیاست های ریاضت کشی دولت به خیابان آمدند. روز دوشنبه در سالگرد کشته شدن نوجوان 15 ساله بدست پلیس یک اعتراض وسیع توسط جوانان در آتن سازمان یافت. یک اعتراض وسیع و توده ای دیگر برای روز 15 دسامبر سازماندهی شده است.

ایرلند دومین کشوری است که برای نجات اقتصاد بحران زده سرمایه داری عملا اعلام ورشکستگی کرده و از اتحادیه اروپا تقاضای کمک کرده است. همچون یونان این کمک در ازای پیاده کردن یک سیستم ریاضت کشی سخت به دولت ایرلند پرداخت خواهد شد. حذف بسیاری از خدمات رفاهی، کاهش بودجه برخی

سرمایه داری در سراسر جهان دچار بحران حاد است. در اروپا سه سال است که بانک ها دچار ورشکستگی شدند و پولهای هنگفتی توسط دولت برای نجات آنها تزریق شد. اکنون برای نجات سرمایه داری، اتحادیه اروپا با وقاحت کامل به میدان آمده است. تحمیل سیاست های ریاضت کشی، حذف بسیاری از خدمات اجتماعی، کاهش دستمزدها، بالا بردن سن بازنشستگی، خصوصی کردن تحصیلات دانشگاهی، حذف حقوق معلولین، توقف هر گونه سرمایه گذاری در سیستم آموزشی، ساختن یا تعمیر مدارس، بیمارستان و غیره بخش هایی از این سیاست ریاضت کشی است. سیستم رفاه دارد فرو میپاشد. فقر گسترده ای اروپا را فرا می گیرد.

اعتراضات وسیعی از جانب اتحادیه های کارگری، مردم و جوانان به این سیاست ها سازمان یافته است. اما تاکنون عموما مجزا و بدون ارتباط و سازمانیابی در سطح اروپا بوده است. در ماه های اخیر تظاهرات، اعتراضات وسیع و اعتصاب عمومی در بسیاری از کشورهای اروپا رخ داده است. روز 29 سپتامبر در بسیاری از کشورها یک اعتراض عمومی توسط اتحادیه های کارگری فراخوان داده شده بود. روزهای 24، 25، 27 و 30 نوامبر نیز روزهای اعتراضات وسیع در اروپا بود.

### گسترش بحران اقتصادی

#### یونان و ایرلند

در یک سال اخیر یونان مرکز اعتراضات وسیع کارگران، مردم زحمتکش و جوانان بوده است.

## بحران عمیق سرمایه داری

### آینده ای سیاه، یک فرصت طلایی ...

مینتینگ عمومی سازمان خواهند داد.

اعتراضات دانشجویان و جوانان بود.

در اطریش روز 27 نوامبر صدها سندیکا و سازمان های سیاسی در اعتراض به سیاست ریاضت کثی تحمیل شده توسط دولت دست به تظاهرات زدند.

در بریتانیا، روزهای 10 و 24 نوامبر دو روز اعتراض گسترده دانشجویی در شهرهای مختلف، بویژه در لندن بود. روز 10 نوامبر حدود 55 هزار جوان در لندن راهپیمایی کردند و دفتر حزب محافظه کار را به اشغال درآوردند. روز 24 نوامبر یک تظاهرات وسیع دیگر سازمان یافته بود که با محاصره وسیع پلیس روبرو شد. در برخی دانشگاه ها دانشجویان دست به تحصن زده اند.

### خصوصی کردن تحصیلات دانشگاهی

روند خصوصی کردن دانشگاه ها در ایتالیا دارد با سرعت به پیش میرود و در بریتانیا نیز دولت محافظه کار و لیبرال دموکرات اعلام کرده اند که قصد دارند شهریه دانشگاه ها را سه برابر افزایش دهند و کمک های ارائه شده به دانشجویان را کاهش داده و شرایط آنرا سخت تر کنند. ده سال پیش دانشگاه در بریتانیا مجانی بود. اکنون قرار است که شهریه ای برابر با 9 هزار پوند در سال برای دانشگاه ها تعیین شود. این اقدام ضد مردمی که یک ضربه محکم دیگر به سیستم رفاه در اروپا است با اعتراضات وسیع جوانان روبرو شده است. در بریتانیا و ایتالیا هزاران جوان، دانشجو و دانش آموز دست به اعتراض، راهپیمایی و بلوکه کردن راه ها یا اشغال مجلس سنا در ایتالیا و دفتر حزب محافظه کار در لندن زدند. در مواردی معترضین با پلیس درگیر شدند.

### شرایطی سخت و وخیم،

#### یک فرصت طلایی

اوضاع بسیار وخیم است. اروپا در انتظار یک فقر گسترده است. مردم در هراس از آینده بسر میبرند. بیکاری های میلیونی، حذف بسیاری از خدمات و رفاه اجتماعی چهره اروپا را دگرگون خواهد کرد. دولت های سرمایه داری دارند دستاوردهای جنبش کمونیستی، سوسیالیستی و کارگری را بازپس میگیرند. بزودی سیستم رفاه به تاریخ متعلق خواهد شد. اوضاع وخیم است اما در عین حال یک فرصت طلایی برای تغییرات جدی و عمیق در سازمانیابی جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی فراهم آمده است.

در 30 نوامبر، طبق گزارش اتحادیه دانشجویان، حدود 400 هزار دانشجو در اعتراض به سیاست های دولت دست به راهپیمایی زدند. معترضین راه های اصلی و میدان های مرکزی رم را بلوکه کردند و مجلس نمایندگان را محاصره نمودند. علاوه بر رم، شهرهای تورین، پالرمو، میلان، پیزا و ونیز محل

اتحادیه های کارگری، بغیر از فرانسه، عجز و ناتوانی خود را در سازمانیابی یک اعتراض وسیع و توده ای به نمایش گذاشتند. رفرمیسم پوسیده، بوروکراتیسم ناشی از آن و مماشات با بورژوازی و

نسل جوان، دانش آموزان و دانشجویان، بنا به موقعیت اجتماعی خویش بسیار فعال و با حرارت علیه سیاست های ضد مردمی و ضد کارگری دولت ها دست به مبارزه زده اند. این یک نقطه مثبت جنبش ضد فقر و برای رفاه کنونی در اروپا است. جنبش جوانان برای آزادی، برابری، رفاه را باید در سطح اروپا سازمان داد و یک ارتش مهم و میلیتانت را در مقابل اتحادیه اروپا و بورژوازی قرار داد.

و بالاخره، فقدان یک جنبش وسیع، متحد و متشکل کمونیسم کارگری در این شرایط کاملا احساس میشود. جنبشی که قادر باشد کارگران و مردم زحمتکش را برای برای انقلاب کارگری، برای سرنگونی سرمایه داری و استقرار یک جمهوری سوسیالیستی سازمان دهد. یک فرصت طلایی در تاریخ برای سازماندهی یک انقلاب کارگری فراهم آمده است. باید تلاش کنیم بر این ناتوانی ها و نقصان هایمان فائق آییم. باید برای اتحاد طبقه کارگر اروپا زیر یک پرچم رادیکال و سوسیالیستی تلاش کنیم. یا اروپای سوسیالیستی را خواهیم ساخت، یا مردم اروپا یک دوره فقر گسترده و ضایعات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را تحمل خواهند کرد. \*

ایفای نقش مشاور بورژوازی بجای نمایندگی اعتراض کارگر، عقیم بودن اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری را در ایفای نقش پیشرو در اعتراض کارگران یکبار دیگر، در یک تند پیچ مهم اجتماعی و اقتصادی ثابت نمود. در فرانسه نیز که اتحادیه های کارگری، بویژه ثروت توانستند یک جنبش اجتماعی را رهبری کنند، ناتوانی خویش در زیر سوال بردن کل سیستم سرمایه داری و تلاش برای مشاوره دادن به بورژوازی آنها را عملا به زمین زد.

یک مساله مهم دیگر، سازمانیابی کشوری کارگران است. علیرغم آنکه بورژوازی و دولتش در سطح اروپا متحد شده و سیاست های سراسری اعلام و تحمیل می کند، کارگران و مردم زحمتکش در کشورهای ایزوله خود و به دولت خود اعتراض میکنند. فقدان یک جنبش سراسری اروپایی برای پیشبرد اعتراض مردم و کارگران اروپا کاملا احساس میشود. یکی از اولین اقدامات رهبران عملی رادیکال سوسیالیست کارگری تلاش برای ایجاد سازمان های چتری اروپایی برای پیشبرد اعتراضات کارگری است. ایجاد شوراهای تشکیل مجامع عمومی منظم و تشکیل یک شورای اروپایی کارگری یک اقدام مبرم در شرایط امروز است.

## کتاب

### کنترل کارگری

را از سایت حزب

دریافت و توزیع کنید!



زنده باد انقلاب کارگری!

## قانون مجازات اسلامی،

### وحشیگری رسمی و شرعی نظام اسلامی

مهرداد کوشا

شهلا جاهد بعد از تحمل بیش از 8 سال زندان، روز چهارشنبه 10 آذر 1389 بر اساس قانون مجازات اسلامی اعدام شد. این اولین جنایت جمهوری اسلامی نبود و آخرین آنهم نیست. مادام که رژیم جمهوری اسلامی حاکم است، مجازات اعدام، که قتل رسمی، شرعی و دولتی است، ادامه خواهد داشت.

طبق ماده 205 قانون مجازات اسلامی، "قتل عمد موجب قصاص است و از اولیاء دم میتوانند با اذن ولی امر قاتل را قصاص نمایند."

اما قصاص نه فقط منحصر به کشتن قاتل، یعنی قصاص نفس، بلکه مشمول قصاص عضو هم هست. اصل این قانون قرون وسطایی مبتنی بر "خون در برابر خون" یا "چشم در برابر چشم" است که وجه مشترک همه ادیان، بخصوص ادیان به اصطلاح ابراهیمی است.

در ماده 282 قانون مجازات اسلامی آمده "ابزار قصاص باید تیز و غیر مسموم و مناسب با اجراء قصاص و قطع و جرح مخصوص باشد و ایذاء جانی بیش از مقدار جنایت او ممنوع است." طبق ماده 283 "هر گاه شخصی يك چشم کسی را کور کند یا آنرا درآورد قصاص میشود، گرچه جانی بیش از يك چشم نداشته باشد و چیزی بعنوان دیه به او داده نمیشود." و در ماده 290 میخوانیم که "هر گاه شخصی زبان یا لب کسی را قطع نماید با رعایت تساوی مقدار و محل، مورد قصاص قرار میگیرد."

قانون مجازات اسلامی سراسر

است که از وجود آن برای تحکیم قدرت خود بهره میجوید.

قصاص و اعدام اما بازدارنده جرم و جنایت در جامعه هم نیست، بلکه تشدید کننده آنست. آمار ناهنجاریهای اجتماعی و اعمال جنایی در جوامع اسلام زده و تحت سرکوب و خفقان رژیم های ارتجاعی، و مقایسه آن با جوامعی که اعدام، این عمل شنیع و غیرانسانی، را با مبارزات طولانی خود نفی کرده اند، گویای این حقیقت است.

قانون مجازات اسلامی علاوه بر قصاص، شامل احکام مربوط به حد، دیات، زنا، تعزیرات و محاربه نیز هست، که این احکام در ارتباط تنگاتنگ با قصاص و آدمکشی است. "احکام زنا" یعنی دخالت مستقیم و وقیحانه دولت در خصوصی ترین رابطه بین دوانسان، "تعزیرات" یعنی شکنجه رسمی و شرعی، و "احکام محاربه" یعنی شکنجه زندان و کشتار انسانهای آزادیخواهی که در مقابل جمهوری اسلامی دست به مبارزه می زنند. لازم است به این موضوع هم اشاره شود، در بخش "دیات" که برای هر قسمت بدن مثل دست و پا و گوش و بینی قیمتی تعیین شده، تبعیض دینی و جنسیتی، به عنوان اصل مشترک همه ادیان و منجمله اسلام، فراموش نشده است. طبق تبصره 2 ماده 297 قانون مجازات اسلامی "میزان دیه اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با نظر ولی امر است که توسط قوه قضاییه استعلام و به دادگاه‌ها ابلاغ می شود. دادگاه‌ها مکلفند مطابق نظر مذکور و با رعایت سایر مقررات این قانون از قبیل جنسیت مجنی علیه و زمان وقوع جنایت رای مقتضی صادر کنند."

خلاصه کنم:

1- قانون مجازات اسلامی، اعمال روشهای وحشیانه قرون وسطایی، ضد ارزشهای انسانی و در تقابل کامل با سکولاریسم و آزادیهای اجتماعی است.

2- قانون مجازات اسلامی مروج خشونت و آدمکشی و جرم و جنایت در جامعه، ضد زن، کودک ستیز و ابزاری در دست حکومت اسلامی برای بقاء خود از طریق ایجاد رعب و وحشت است.

3- با وجود قانون مجازات اسلامی، دستیابی به عدالت قضایی و اجتماعی امری کاملاً محال می باشد.

4- پایان دادن به حاکمیت قانون مجازات اسلامی و رهایی کامل جامعه از قید و بند این مقررات ضد انسانی، با سرنگونی جمهوری اسلامی امکان پذیر میشود.

ما کمونیستها خواهان جامعه ای سکولار و فارغ از هرگونه قوانین دینی، از جمله قوانین اسلامی هستیم. "یک دنیای بهتر"، برنامه حزب اتحاد کمونیسم کارگری، موازین محاکمات را براساس اصول انسانی تعیین و مشخص کرده، که برخی موارد آن به شرح زیر است:

1- اصل در کلیه محاکمات بر برائت متهم است. محاکمات باید بدور از تحریک و پیشداوری و در شرایط منصفانه برگزار شود. محل محاکمه، قاضی و هیات منصفه باید به نحوی تعیین شوند که این شرایط تامین گردد.

2- متهم و وکیل او حق دارند قبل از محاکمه از کلیه ادله و مدارک و شهود دادستان، و یا طرف شاکی، مطلع شوند و آنها را بازبینی کنند.

3- محاکمه افراد در شرایط و محیطی که فشار افکار عمومی امکان یک محاکمه بیطرفانه را سلب و یا خدشه دار کرده باشد ممنوع است.

4- شهادت پلیس در محاکمات ارزشی معادل شهادت سایر شهود دارد.

5- قاضی و دادگاه باید کاملاً از روند بازپرسی و تحقیق مستقل باشند. صحت

خانواده مقتول بازی می کند و آنها رو دستاویز این جنایت قرار داده تا خونخواهی کنند و به پسر لاله درس قاتل شدن می دهد. آموزش می دهد که صندلی را از زیر پای شهلا بکشید.

اما این شهلاست که گلوی رژیم اسلامی را می فشرد همچنان که بغضی رمز آلود گلوی او را. این جنگی تن به تن بود و شهلا به هر جای بدنه ی فاسد رژیم می زد، چرک و کثافت بود که از آن بیرون می آمد. یک نمای تمام از کشتار انسانی و زن ستیزی که قاضی پرونده را مجبور کرد بگوید دوربین ها را ببندید!

قاضی و جمهوری کثیف اسلامی! دوربین ها هرگز تاریخ جنایات شما را پاک نخواهند کرد و دادگاه های مردمی به انتظار شما بزدلانند که از وحشت به خود پیچیده اید و با اعدام و کشتار آن را بروز می دهید.

به قول شهلا: در مرگ زنده باش که آنت ستودنی است ...

یادش گرامی و ننگ بر جمهوری ضد زن اسلامی و مزدورانش! \*

## قانون مجازات اسلامی،

وحشیگری رسمی و شرعی نظام اسلامی ...

قانونی پروسه تحقیق باید توسط قضات ویژه ای مورد نظارت و تائید قرار بگیرد.

دیگر نباید شاهد اعدام، قطع دست و انگشتان و کور کردن کسی باشیم. رهایی از این اعمال وحشیانه حق مسلم مردم ایران است و این امر قطعاً مستلزم مبارزه ای پیگیر و مستمر با جمهوری اسلامی و قوانین ارتجاعی آن، تا زمان سرنگونی این رژیم خونخوار می باشد. مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم! \*

## آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>  
[www.m-hekmat.com/](http://www.m-hekmat.com/)

اعدام قتل عمد دولتی است! اعدام اسم دولتی آدمکشی است!

# برای شهلا جاهد

بهار ابراهیمی

دریابد.) و بعد هم اشاره به سوپچ ماشین لاله می کند و باز می گوید: این هم طلاست!

## دوربین (2) کالا شدن زن و مرد سالاری اسلامی

در ادامه ی صحبت های محمد خانی در توصیف همسرش: دستشویی که می خواستم برم اول خودش میرفت می نشست توالت ((فرنگی)) رو گرم می کرد تا پاهام یخ نکنه. زن من (یکی از اموال من) اصلاً قابل مقایسه با این نبود، اصلاً نمی توئم حتی بهش نمره بدم!

این در حالی است که لاله در مصاحبه ای می گوید: من همش تنها رفتم مسافرت و او نتونست با من باشه. کلاً وقتش پره ولی خُب با هم کنار میایم (در کدام صورتی از شرایط زن در ایران!؟)

## دوربین (3) دستان تجاوز گر مذهب و بریده شدن دستان عشق

محمد خانی: من سی و هفت، هشت ساله نماز می خونم و توی خانواده مذهبی به دنیا آمدم و آبرو نتونستم کسب کنم.

شهلا: همش زوجتُ مَوّجتُ برام می خوند... منظورش صیغه هست که برای مرد مستحب و برای زن زنا محسوب می شه. این همان مذهب است که مجوز چنین تجاوزهایی رو به انسان ها و حقوقشون میده.

دوربین (4) قوه قضائیه قاتل قاضی پرونده ی ناقص و پر ابهام شهلا جاهد که به دلایل سیاسی و مذهبی دست به همچین جنایت حساب شده ای می زنه و به تمام سازمان ها و افرادی که بر علیه اعدام بلند شدن دهن کجی می کنه که البته زهی خیال. با احساسات

از میان دنده ها بیرون پریده ام داغ پر خروش و درد اشک ها کاسه ی دلم تکه تکه چون آه سرخ حسرتی زرشک ها زجه های من سکوت می شود سرخطم به مشت مشق ها، داد می زند گناه من زخم زخم آشنای رنج و دادگاه لاله من همان هدیه ی خدایگان از شریعت و قانون لاکراه.

آن حکوت سنگسار و مذهبی سوزد آنچنان به آذرخش ها گرچه سرفراز دار می شوم دامنش گرفته خون لاله ها مجرم و بری از آن جهت، مستترشده به ریش و پشم ها نقطه می شود به شورا و اتحاد داستان رهبر و نوچه های او خدا

## دوربین (1) تولیدات و ملزومات نظام سرمایه

قاضی پرونده از تماس تلفنی ای گفت که شهلا با لاله همسر مقتول محمد خانی داشته با این مضمون: تو لیاقت آن خانه و ماشین و زندگی را نداری، اونجا متعلق به من است. با فرض صحت این ادعا آیا این صحبت به جز از دل یک نظام طبقاتی می تواند بیرون بیاید!؟

فیلم های محمد خانی بعد از فوت همسرش در حالی که وارد خانه می شود. چیزی که نظرش را جلب میکند ساعتی است که میگوید: این را یک میلیون و خورده ای خریدم، به دلار هم خریدم! تو فرودگاه یونان ... و بعد به لباس های همسر مقتولش اشاره می کند و با عقده هایی که از تمام حرف ها و رفتارش پیداست از کجای عقده های طبقاتی مذهبیش آمده می گوید: اینها همش نو هستن. هر 5\_6 ماه هم لاله میرفت لباس هاش رو به یتیم خونه ها کمک می کرد. (لاله خبر نداشت قربانی داستانی است که کودک یتیم خودش را باید کسی





## برخورد "چپ" به سرکوب کارگران

سیاوش دانشور

جانبی خود مختصری از خبر اعتصاب را بدون ذکر منبع خبر و سابقه این اعتصاب و بدون گرفتن موضع نسبت به این واقعه منتشر و در فاصله کوتاهی، شاید یک یا دو روز، و لابد به دلیل همراهی با سکوت بقیه، از روی سایت برداشت. این در حالی است که بدست حکم احضار یا بازداشت دیگر فعالین کارگری برای ماهها روی سایت‌های این جریان و جریانات دیگر میماند. اما کسی راجع به مبارزه و اعتراض و سرنوشت این کارگران کلامی نگفت. در حال حاضر کماکان بیش از 2000 نفر کارگر راه آهن که تعدادی طرف قرارداد خود راه آهن و تعدادی طرف قرارداد شرکت های انگل پیمانکاری از قبیل رازمان کبیر هستند، دستمزد‌هایشان از 2 تا 7 ماه معوق شده و هم اکنون تعداد زیادی از کارگران و خانواده هایشان بعلت عدم واریز شدن حق بیمه هایشان از جانب کارفرما از دفترچه های خدمات درمانی محرومند.

### اعتراض کارگران عسلویه

در تاریخ 12 آبانماه 1000 کارگر پروژه ای فازهای 15 و 16 و 17 و 18 پالایشگاههای گاز عسلویه در اعتراض به عقب افتادن چهار ماه دستمزد و اخراج دستجمعی، روز سه شنبه 10 آبانماه دست به اعتراض و اجتماع مقابل درب فازهای 16 و 17 زدند. در جریان این اعتراض 30 نفر از کارگران را به جرم "اغتشاش" دستگیر کردند. قابل ذکر است که روز دوشنبه 9 آبان نیز در فازهای 1 و 6 و 17 کارگران در شکل کم کاری اعتراض کردند. اما روز سه شنبه 10 آبانماه

شهری تهران، در اعتراض به عدم دریافت چندین ماه دستمزد‌های معوق، دست از کار کشیده و در محوطه سایت راه آهن واقع در میدان راه آهن تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران خواهان جوابگویی مسئولین و دریافت فوری دستمزد‌هایشان بودند. اما "صاحب محمدی" مدیر راه آهن و همدستانش که از اعتصاب و اعتراض کارگران بشدت ترسیده بودند از حضور در مقابل کارگران و دادن هر جوابی طفره رفتند. در این میان عوامل جاسوس حراستی کوشیدند با توسل به تهدید و انواع حربه ها کارگران را متفرق نمایند اما این ترفندها هم نتیجه نداد. با پایان گرفتن ساعت کار اداری کارگران همچنان به تجمع خود ادامه دادند.

در ساعت هفت و نیم عصر طی هماهنگی صاحب محمدی و حراست از ارگانهای سرکوبگر حکومتی درخواست کمک نمودند که بلافاصله صدها نفر از مزدوران موتور سوار پاسدار و بسیجی و پلیس ضد شورش که به انواع سلاح سرد و گرم و تجهیزات مجهز بودند به محل اعزام شدند. پاسداران و پلیس ضد شورش بطرز وحشیانه ای به ضرب و شتم و کتک کاری و بازداشت کارگران پرداختند. درگیری و سرکوب کارگران تا حوالی ساعت 9 شب ادامه داشت. 20 نفر از کارگران توسط عوامل اطلاعاتی حکومت اسلامی دستگیر و به نقاط نامعلومی منتقل شده اند.

اگر کسی واقعا کمونیست و سوسیالیست است باید رنج و درد این کارگران رنج و درد او باشد. اما افسوس از یک سطر واکنش مدعیان قلابی "مدافع طبقه کارگر"! برای اینکه همه را با یک چوب نرانده باشیم، سایت حزب کمونیست ایران به نقل از یکی از سایت‌های

### اعتصاب کارگران راه آهن

در آبان ماه امسال کارگران راه آهن تهران به تاسی از کارگران فرانسه گفتند: "ما باید از کارگران فرانسه بیاموزیم" و یکی از رهبران آنها "اعتصاب را تنها راه کارگران" عنوان کرد. کمتر از دو هفته بعد بیش از 100 نفر از کارگران قطار بین شهری منطقه اسلام شهر - تهران دست به اعتصابی یکروزه زدند. خواست کارگران گرفتن 3 ماه حقوق معوقه و اعتبار یابی دفترچه های بیمه شان بود. کارفرمای راه آهن، صاحب محمدی، هزینه بیمه کارگران را از حقوق شان کسر کرده بود اما بدلیل نپرداختن آن به اداره بیمه دفترچه های بیمه کارگران از اعتبار ساقط شده بود و اعضای بیمار 2000 خانواده کارگری شرکت راه آهن بین زمین و هوا مانده بودند و هیچ دکتر و درمانگاه و بیمارستانی دفترچه درمانی این انسانهای زحمتکش را قبول نمیکرد و در بیماری و درد رنج میبردند. کارفرما در هراس از گسترش اعتصاب به سایر قسمت‌ها بلافاصله دستمزد‌های معوق مرداد و شهریور ماه را به حساب کارگران واریز نمود و وعده دادند که حقوقهای معوق پرداخت و مسئله بیمه حل میشود.

اما وعده ها مثل همیشه پوچ بودند و کارگران اینرا میدانستند. بار دیگر کارگران دست به اعتصاب و اعتراض زدند. اما اینبار بسیار قدرتمندتر. از اولین ساعات روز شنبه ششم آذر ماه بیش از 1000 نفر از کارگران بخشهای مختلف راه آهن بین

در فرهنگ و درک عامه از سیاست، چپها و سوسیالیستها و کمونیستها، علیرغم تفاوت‌های اجتماعی که این عناوین تاریخا داشتند و هنوز دارند، مدافع کارگران و محرومان شناخته میشوند. تاریخ این چپ و سوسیالیسم غیر کارگری هم خود دلیلی بر این شناخت عامه مردم است. چرا که طی قرن بیستم و بویژه بدنبال انقلاب اکبر، جنبشهای سیاسی مختلف که اساسا آرمانها و اهداف غیر کارگری را دنبال میکردند، بدلیل تفوق و هژمونی کمونیسم کارگری و مارکسیسم، عنوان و پرچم سوسیالیسم را برای اهداف خود انتخاب کرده بودند و خود را جزو اردوی چپ جامعه تعریف میکردند. بدنبال فروپاشی اردوگاه شوروی و از مد افتادن چپگرایی برای این نوع چپ مصلحتی، امروز بخش اعظم این نیروها طرفدار دو آتشه دمکراسی نظم نوینی و پنتاگونی اند و یا دنبال کشف فرهنگ و تاریخ شرق و نبش قبر هویت‌های کاذب ناسیونالیستی و قومی و حتی مذهبی اند.

اگر حساب این طیف را که عامدانه و آگاهانه ضد آرمانهای شریف کمونیستی طبقه کارگر است جدا کنیم، مخاطب این یادداشت طیف مختلف احزاب و سازمانها و محافلی است که خود را "مدافع طبقه کارگر" معرفی میکنند. سکوت آزار دهنده این طیف در برخورد به سرکوب وحشیانه کارگران توسط بورژوازی هار اسلامی هم درسی آموزنده است و هم محتوای واقعی "دفاع از طبقه کارگر" این جریانات را برملا میکند. نمونه ها بسیاریند. اما از دو مورد در همین ماه گذشته شروع میکنیم.

## برخورد "چپ" به سرکوب کارگران...

وسیعا و متحدانه اعتصاب و اجتماع کردند. همینطور بدنبال دستگیریها و سرکوب روز سه شنبه، روز چهارشنبه 11 آبان مجددا بیرون پالایشگاه تجمع کردند که تماما در محاصره نیروهای امنیتی بودند و مانع پیوستن کارگران و مردم به اجتماع آنها میشدند. نهایتا این 30 کارگر دستگیر شده را به جرم واهی و کاذب "اخلال در پروژه های ملی" و گرفتن تعهد مبنی بر عدم شرکت در اجتماعات کارگری از زندان آزاد کردند.

برخورد طیف چپ غیر کارگری به این اعتصاب و اعتراض هم مثل مورد اعتصاب و اعتراض کارگران راه آهن بود. اولاً عمدتا و اساسا - شاید بجز دو یا سه مورد - مطلقا نامی از این اعتصاب و اعتراض نبردند. آنها هم که حرفی با چند روز تاخیر زدند یا به خبر سایت "کلمه" موسوی و سایتهای جانبی این جریان استناد کردند و یا همان مضمون را منتشر کردند. یعنی به اعتراض و اعتصاب کارگران فازهای 15 و 16 اشاره کردند و مطلقا از دستگیری و آزار کارگران یک کلمه هم نگفتند!

حالا جریان چیست؟ اولاً این دو فاز مورد اشاره هنوز نیمه تمام هم نیست و تازه خاکبرداری شده و مقداری از کارهای اولیه آن صورت گرفته است. ثانیاً اساس دعوا بین شرکت مهندسی نفت و گاز سپانیر و شرکت پارس جنوبی است. در واقع 1000 کارگر پروژه ای قربانی دعوای دو باند درون حکومتی برسر تصاحب قراردادها و مسائل مالی شدند و بدلیل به نتیجه رسیدن این دعوا پروژه تعطیل و کارگران اخراج و 4 ماه دستمزد معوق شان هم بالا کشیده شد. سایت کلمه هم همین دعوا را منعکس میکند اما با

نقل از اولین کسی که منبع خبر را سانسور کرده است خبر را منعکس کرده اند! (بعنوان مثال میتوان به چندین مورد اعتراض کارگران ایران خودرو اشاره کرد که خبر آن ابتدا و بدون ذکر منبع خبر توسط سایت خودرو کار منتشر و بعدا همه سایتها به نقل از این سایت منتشر کردند!!) ظاهرا میشود حزبی کمونیستی کارگری را بعنوان منبع خبر نگفت اما میشود ایسنا و ایلنا و سایت های دو خردادی را گفت! اما اینجا بحث من برسر منبع خبر و تعهد به حداقل های ژورنالیسم امروز نیست. دلایل این امر برای هر کسی که چیزی از سیاست ایران و نیروهای اپوزیسیون آن میدانند روشن است. بحث برسر تهاجم یک حکومت ضد کارگر و مدافع دیکتاتوری عریان سرمایه به اعتراض برحق کارگری و سکوت آزار دهنده این "چپ" است.

سکوت نیروهای دست راستی و ضد کارگری را البته میتوان فهمید. ماهیت ضد کارگری و ضد کمونیستی عریان این نیروها سکوت را الزامی میکند. باید هم کارگر و اعتراض کارگری و تصویر اجتماعی کارگر را مخدوش کنند تا بتوانند مشتی عناصر سیاست باز و عقاید ارتجاعی را بفروشند. اما سکوت طیفی که ظاهرا خود را "طرفدار طبقه کارگر" میدانند در نگاه اول بسیار ناموجه و غیر قابل درک است. این در شرایطی است که سبزه های حزب الهی فهمیده اند باید در چهارچوبهای اسلامی و "صنفی" به کارگر توجه کنند و برای حفظ ظاهر و هدف جلب کارگران پشت سیاستهای ضد کارگری اسلامی و ناسیونالیستی، نامی از کارگران و حقوق "کارگران میهن اسلامی" ببرند. عجیب است که "چپ" که ادعای طرفداری از طبقه کارگر را هم دارد هنوز اندر خم یک کوچه است!

### چند سوال

دلیل این سکوت آزار دهنده در مقابل اعتصابات بزرگ کارگری و یورش سرکوبگران اسلامی به کارگران چیست؟ آیا نفس خبر صحت ندارد و یا در صحت آن تردید هست؟ اگر صحت ندارد چرا

با دلیل و مدرک اعلام نمیکند؟ اگر منابعی دارید که میتوانند تردیدتان در مورد خبر را رفع کنند چرا مسئولانه اینکار را نمیکند؟ اگر هیچکدام از اینها نیست، آیا بجز اینست که چون حزب اتحاد کمونیسم کارگری خبر اعتصاب را منتشر کرده اینها حاضرند به دلیل اینکه نامی از این حزب نبرند قید خود اعتراض وسیع کارگری را بزنند و حتی خم به ابرو نیاورند که اوباش اسلامی وحشیانه کارگران را سرکوب کرده اند؟ آیا، در قاموس شما، این است معنای "دفاع از طبقه کارگر و سوسیالیسم"؟!

اگر هیچکدام از نکات فوق موضوعیت ندارند چرا به نقل از منبع خبر و با گذاشتن کل بار مسئولیت روی دوش منبع خبر به مسئله نمی پردازید؟ باز هم به "معضل" هویت همان منبع خبر برمیخوریم. چون انواع اخبار به نقل از سایتهای کارگری و غیر کارگری و آشکارا ضد کارگری و حقوق بشری و ناسیونالیستی و غیره توسط همین نیروها و سایتها و رسانه هایشان منتشر میشود. ولی وقتی به کمونیسم معینی میرسند بوکسواد میکنند و اصول شان سیال میشود! آیا نگران هستید که با نام بردن از جریان بعنوان منبع خبر آن جریان "مطرح" شود؟ فکر نمیکند اعتبار اجتماعی مقوله ای فراتر از این محاسبات است؟ فکر نمیکند این محاسبات بیش از حد فرقه ای و غیر سیاسی است؟

فعالیت کارگری فقط این نیست که ما **صرفا** از دستگیری و زندانی شدن تعدادی از فعالین عضو سندیکاها و کمیته های مختلف دفاع کنیم و کمپین و تظاهرات بگذاریم. حزب اتحاد کمونیسم کارگری نه فقط دفاع از این دوستان را، علیرغم هر اختلاف نظری و هر نقد سیاسی به خط مشی شان، یک لحظه مسکوت نگذارده بلکه همواره و بدون تبعیض علیه هر نوع تعرض حکومت اسلامی به کارگران موضع

## برخورد "چپ" به سرکوب کارگران...

روشن داشته و همواره از آزادی این دوستان دفاع کرده و در اعتراضات مختلف در این زمینه شرکت کرده و تداوم این تلاشها را کاملاً ضروری میدانند. اما چه کسی نمیداند که جنبش کارگری و اعتراضات کارگری به دو سندیکای هفت تپه و واحد و یا فعالین کمیته های هماهنگی و پیگیری و غیره خلاصه نمیشود؟ این دو سندیکا قطره ای از دریای طبقه کارگران در دنیای واقعی و در متن صدها و هزاران اعتراض و اعتصابی که مرتباً رخ میدهد این جریانات مدعی "طرفدار طبقه کارگر" به کدامش ربط دارند و یا میشود رد پایشان را دید؟

خیلی روشن ما هیچ توهمی نداریم و منشا این رفتارهای سیاسی را خوب میشناسیم. اما همانقدر که بحث شورا و سندیکا و حزب کارگری و سیاست و تاکتیک مبارزاتی طبقه کارگر مهم است، بسیار پیش از آن این مباحث در درون جریانات و گرایشاتی مهم اند که اولاً در دوران طبقه کارگر اند و بر سوخت و ساز طبقه تاثیر دارند و ثانیاً منافع کل این طبقه را در هر عرصه مبارزه طبقاتی در قلمرو محلی و کشوری و جهانی دنبال میکنند. این موضوع در مورد بسیاری از این "چپ" تماماً صدق نمیکند. اما طرح آن ضروری بود چون تعدادی گروه و سازمان و محفل میخواهند خود را با عنوان کارگر و منافع کارگری و اهداف کارگری - حال با هر روایتی - باز بشناسند و دقیقاً طرح چنین نکاتی اثبات میکنند که این ادعاها تا چه حد پایشان روی زمین کار و زندگی و مبارزه طبقه کارگر است و تا چه حد از کارگر سپری برای اهداف غیر کارگری ساخته اند.

و بالاخره باید این نکته را تاکید و تصریح کرد که منشا این رفتارها تقابل با سیاست و خط مشی معینی یعنی کمونیسم رادیکال کارگری منصور حکمت است. تلاش و کمپین و ادعاهای جعلی علیه کمونیسم منصور حکمت همواره بازار گرمی میان این چپ داشته و

کمونیسم و سوسیالیسمی که در مهمترین صنایع کارگری حضور ندارد و یا روزمره تلاش نمیکند که در هزاران مرکز بزرگ و کوچک کارگری حضور داشته باشد، کمونیسمی که نمیتواند و نخواهد با مبارزه بیوقفه و زندگی طبقه کارگر چفت شود، کمونیسمی که از اعضای خانواده بزرگ جنبش طبقه کارگر - با هر گرایشی - نمیتواند دفاع کند و سیاستش در خدمت رشد و ارتقا و وحدت این طبقه نیست، کمونیسمی که تصویری از معضلات جدال کارگر با سرمایه دار در یکی از وحشیانه ترین دیکتاتوریهایی سرمایه ندارد و نمیتواند معضلات و گره گاههای این کشمکش طبقاتی را بشناسد و ره پیشروی را هموار کند، کمونیسمی که منافع خرد و محاسبات بازاری و نه حتی سکتاریستی را بر منافع وسیعتر طبقاتی ترجیح میدهد و با وجدان راحت سر بر بالین میگذارد، هر چه باشد کمونیسم مربوط به کارگر و اعتراض کارگری؛ کمونیسم کارگری نیست. (راستش سکتاریسم هنوز کلمه درخشانی است. چون فرض بر این است که بدواً یک جریان در میان طبقه و جزئی لاینفک از

البته طی سالهای طولانی بیبار ننشسته و این نفرت پراکنی ها نتوانسته حتی منشا اتحاد چند محفل شود. اما کارگر کمونیست و پیشرو معضالش اینست که چگونه باید متحد شود، مبارزه کند، بورژوازی را عقب براند، حقتش را از حلقوم و جیب گشادش بیرون بیاورد، و از هویت و حرمت اجتماعی اش دفاع کند. کارگر کمونیست و پیشرو همواره دست به سیاستی میبرد که این نیازها را جواب دهد و کمترین توجهی به این محاسبات فرقه ای نمیکند. امروز کارگر اعتراض و

اعتصاب میکند و فردا انقلاب سوسیالیستی اش جهان را متوجه عروج مجدد کمونیسم کارگری خواهد کرد. هر کسی میتواند هر اختلاف سیاسی با ما داشته باشد. این امری طبیعی است و طرح سیاسی اختلافات همواره به شفافیت جنبش کمونیستی طبقه کارگر کمک میکند. اما نمیتوان پرچم کارگر و منافع کارگری را بدست گرفت و علیه تهاجم بورژوازی به کارگران سوت زد و راه رفت. این سکوت تنها به بورژوازی خدمت میکند.\*

به نقل از: سایت سندیکای کارگران شرکت واحد

### انتقال علی اکبر نظری به زندان قزل حصار

علی اکبر نظری به زندان قزل حصار منتقل شد. نظری که طی احضاریه به شعبه دوم ویژه امنیت مراجعه کرده بود بازداشت و بعد از 24 ساعت به زندان قزل حصار منتقل شد. قابل ذکر است آقای مرتضی کمساری یکی دیگر از اعضای سندیکا نیز در چند روز گذشته توسط شعبه دوم بازداشت و در زندان اوین نگهداری می شود. به اظهار آقایان مرتضی کمساری و نظری این بازداشت ها به اتهام تظاهر و مداخله در امر وکالت صورت گرفته است.

اخبار تکمیلی متعاقباً اعلام خواهد شد.

11 آذر 1389

### علی اکبر نظری بازداشت شد

علی اکبر نظری راننده شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و یکی از اعضای عادی سندیکای کارگران شرکت واحد، بر اساس احضار تلفنی که از طرف شعبه دوم ویژه امنیت انجام گرفته بود روز دوشنبه به این دادسرا مراجعه و با صدور قرار کفالت 10 میلیون تومانی بازداشت و به قرنطینه زندان اوین منتقل می شود. آقای نظری بعد از بازداشت طی تماس تلفنی که با یکی از همکارانش برقرار می کند از انتقال به زندان اوین و مورد اتهامی جعل عنوان نام می برد.

در حال حاضر 4 نفر از اعضای سندیکا به نام های رضا شهابی، ابراهیم مددی، مرتضی کمساری و علی اکبر نظری در زندان اوین و غلامرضای غلامحسینی در زندان رجایی شهر در بند می باشند.

اخبار تکمیلی متعاقباً اعلام خواهد شد.

9 آذر 1389

## برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی به پا خیزیم!

در حالی که جامعه ایران در بحران اقتصادی و سیاسی فزاینده ای به سر می برد، حکومت اسلامی ایران، سرکوب و زندان، شکنجه و اعدام را تشدید کرده است تا از این طریق مانع گسترش اعتصابات کارگران و اعتراضات مردمی شود. هم اکنون تعداد بی شماری از فعالین جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانش جویی، روزنامه نگاری، وبلاگ نویسی و حتا وکلای دادگستری، در سیاه چال های حکومت اسلامی زندانی هستند. در عین حال زنانی مانند شهلا جاهد (توسط جنایتکاران اسلامی بدار آویخته شد) و سکینه محمدی و غیره در معرض اعدام و سنگسار قرار دارند.

در حکومت سرمایه داری اسلامی ایران، زندانیان دارای حق دفاع از خود نیستند و زیر شکنجه آنها را و میدارند که به کارهایی اقرار کنند که انجام نداده اند. در زندان های حکومت اسلامی، حتی از معالجه زندانیان بیمار خودداری می کنند.

در شهرهای مختلف کردستان نیز دهها نفر از فعالین کارگری که عمدتاً از فعالین کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به شمار می آیند مورد تهدید قرار گرفته و زندانی و بازجویی شده اند. فعالین کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری و دیگر تشکل ها و فعالین کارگری در سراسر ایران، تحت فشارهای امنیتی - پلیسی قرار دارند و دارای پرونده ی قضایی امنیتی می باشند. برای مثال تعداد بسیاری از کارگران، از جمله؛ منصور اسالو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلام حسینی از سندیکای شرکت واحد، بهنام ابراهیم زاده، مهدی فراخی شاندیز از کمیته ی پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری و اسعد مولود زاده، سلام قادری از کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری را می توان نام برد. اتهام این فعالین کارگری، تلاش برای متحد کردن کارگران و اعتراض به زیر پا گذاشتن حقوق اولیه آنان است.

در چنین شرایطی، سازماندهی یک اعتراض و مبارزه گسترده و برپا کردن یک کارزار سیاسی و تبلیغاتی وسیع علیه سیاست های غیرانسانی حکومت اسلامی، علیه شکنجه، اعدام و سنگسار و برای آزادی کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی امری ضروری است. تنها با اتحاد و همبستگی طبقاتی و مبارزه پیگیر علیه حکومت اسلامی، می توان این حکومت جانی را به عقب نشینی وادار کرد.

ما، از همه انسان های آزادی خواه و عدالت طلب، دعوت می کنیم در تظاهراتی که برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو شکنجه و اعدام در ایران برگزار می شود فعالانه شرکت کنند.

**زمان تظاهرات: 18 دسامبر 2010، از ساعت 14 تا 16**

**مکان تظاهرات: Mynttorget - روبروی پارلمان سوئد**

سرنگون باد حکومت اسلامی ایران! زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

کارگر زندانی، زندانی سیاسی، آزاد باید گردد!

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم

تماس با شورا: Tel: (0046) -shoraye1@gmail.com

0701502011



به نقل از سندیکای کارگران هفت تپه

### ما درد مشترکیم

حکم زندان برای رضا رخشان

سرانجام شعبه 13 دادگاه تجدید نظر اهواز رضا رخشان، رئیس هیأت مدیره سندیکای ما، را نیز به اتهام نشر اکاذیب به 6 ماه زندان محکوم کرد. این حکم در حالی صادر شد که رضا رخشان در دادگاه بدوی از اتهام نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی تبرئه و با وثیقه 30 میلیون تومانی آزاد شده بود.

اتهام نشر اکاذیب در حالی برای رضا رخشان حکم زندان را به همراه داشت که پیش از آن اعضاء هیأت مدیره سندیکا و خانواده های آنان در نامه مشترکی به دادگاه تجدید نظر کلیه اقدامات مورد اتهام رضا رخشان را در چهارچوب وظایف سندیکائی وی دانسته و تأکید کرده بودند که هیچکدام از آن اقدامات و همچنین نوشته رضا رخشان تحت عنوان «ما یک خانواده هستیم» که امروز برای ایشان سند جرم به حساب می آید، اقدام فردی وی نبوده و ایشان هیچگونه مسئولیت فردی در قبال این اقدامات ندارند. اما دادگاه تجدید نظر اهواز بدون توجه به این مدارک و شهادتها، موارد دیگری را به پرونده اضافه نموده و ایشان را به اتهام نشر اکاذیب به 6 ماه زندان محکوم نمود. لازم به ذکر است که بر طبق قوانین قضائی، اتهام نشر اکاذیب تنها در صورتی می تواند در محاکم قضایی مورد رسیدگی قرار گیرد که یک شاکی خصوصی این اتهام را وارد نموده باشد. (ماده 698 که مربوط به اتهام نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی مندرج در قوانین مجازات اسلامی می باشد با اینهمه در ماده 727 همین قوانین آمده است که این اتهام جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی شود) در مورد رضا رخشان هیچ شاکی خصوصی موجود نبود.

رضا رخشان پس از علی نجاتی دومین رئیس هیأت مدیره است که به تحمل زندان محکوم شده است. پیش از آن اعضاء دیگر هیأت مدیره، فریدون نیکوفرد، قربان علیپور، محمد حیدری مهر، علی نجاتی و جلیل احمدی نیز به جرم فعالیت های سندیکایی هر یک به مدت 6 ماه در زندان به سر برده اند.

ما این حکم دادگاه را بسیار سختگیرانه و ناعادلانه می دانیم و یک بار دیگر بر حق قانونی خود در دفاع از زندگی خود و خانواده های ما و دفاع از حقوق حقه کارگران شرکت نیشکر هفت تپه تأکید می کنیم. سندیکای هفت تپه تشکل منتخب کارگران شرکت نیشکر هفت تپه است و خود را به پیشبرد وظائفی که کارگران شرکت به آن محول کرده اند متعهد می داند.

سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

تاریخ: 10/9/1389

1/ دسامبر 2010

## نیروگاه برق، پالایشگاه نفت، انرژی اتمی

### نیروگاه برق

بنا به خبر دریافتی، نیروگاه برق اصفهان بدنبال تحریمها با معضلات شدید فنی روبرو شده است. این معضل البته ویژه نیروگاه برق اصفهان نیست و سراسری تر است. احتمال این هست که با تشدید فصل سرما مردم با قطع برق روبرو شوند. گرانی و بالا رفتن قیمتها کم بود، نگرانی کمبود و قطع برق هم به آن اضافه خواهد شد. این گوشه ای از نتایج تحریمها برای مردم محروم است.

### پالایشگاه اصفهان

در اطلاعیه های قبلی از تعطیلی صنایع و روی زمین ماندن پروژه ها بدلیل کسری بودجه سخن گفتیم. قرار بود حداکثر ماه گذشته پروژه اورور- هاول در پالایشگاه اصفهان شروع شود اما هنوز این پروژه بدلیل کسری بودجه شرکت نفت و عدم توافق با شرکت های پیمانی شروع نشده است. اجرای بموقع و دقیق پروژه اورور- هاول با بازسازی و تعمیرات اساسی سالانه پالایشگاه برای جلوگیری از آلودگی هوای کل منطقه ضروری است.

در دو هفته اخیر ساکنین مناطق اطراف پالایشگاه از آلودگی هوا رنج می برند. آلودگی هوا در اصفهان بدون ارتباط با زمین گیر شدن این پروژه نیست.

### انرژی اتمی روشن دشت

مرکز تحقیقات و تولید سوخت اتمی اصفهان واقع در روشن دشت بجز پرسنل فنی تعدادی پرسنل پیمانی دارد. این کارگران پیمانی بصورت پروژه ای کار میکنند. اما اخیرا و بدلیل تعطیلی پروژه ها دوباره کارگران پیمانی را خانه نشین کرده اند. در این مرکز به کارگر قرارداد یکساله می دهند اما در طی یکسال کار با خوابیدن پروژه کارگر هم خانه نشین و بیکار میشود و تا شروع پروژه جدید از هر گونه مزایای محروم است. از نظر میزان حقوق ها دستمزد کارگران پیمانی انرژی اتمی روشن دشت اصفهان از سطح دستمزد اداره کار هم پایین تر است. یعنی حدود دویست و پنجاه هزار تومان!

### انرژی اتمی نطنز

در انرژی اتمی نطنز حدودا 4 تا 5 ماه است که کارها کلا خوابیده است. دلیل توقف کارها در این مرکز اقتصادی نیست چون حکومت اسلامی برای اینگونه صنایع بودجه کم نمی آورد. دلیل بخشا مانورهای سیاسی در بازی مذاکرات دیپلماتیک از یکسو و ناتوانی در رفع معضلات فنی از سوی دیگر است. در مورد غنی سازی اورانیوم متخصصین جوانتر آنرا عملی میدانند اما افراد باتجربه و قدیمی تر بر این باورند که امکان آن صفر است. البته اورانیوم غنی شده مورد نیاز بمب اتم و گرنه اورانیوم برای مصارف سوخت فی الحال صورت میگیرد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

15 آذر 1389 - 6 دسامبر 2010

## کارگران شرکت جنرال مکانیک

دستمزدهای پرداخت نشده آبانماه!

بنا به خبر دریافتی، با گذشت 17 روز از پایان آبان ماه 200 نفر از کارگران شرکت راه و ساختمان جنرال مکانیک با وجود همه پیگیریها و اعتراضات تکنونیشن هنوز موفق به دریافت دستمزدهای آبانماه نشده اند. عوامل کارفرما در این 17 روز با وعده های دروغ و بی اساس کارگران را با جیبهای خالی از امروز به فردا حواله داده اند. اخیرا یکی از همدستان "یاری" مدیر عامل شرکت به کارگران معترض گفته است: باید خدا را شکر کنید سال گذشته همیشه دستمزدهایتان چندین ماه عقب بود اما حالا فقط یکماه طلب دارید، باید صبر کنید!

یکی از کارگران معترض میگفت: جمعا همه دستمزد ماهیانه ام حتی با انجام اضافه کاری به 400 هزار تومان هم نمیرسد. همسر و فرزندم در شهرستان برای کرایه خانه و مخارج روزانه معطلند. خودم هم در این کمپ شرکت که شبیه اردوگاههای کار اجباری است با هیچ امکانات مناسبی شبانه روزی زندگی میکنم. بعلت کیفیت بد غذا و نبود امکانات بهداشتی مناسب من هم در اینجا باید کلی هزینه کنم تا زنده بمانم. بیش از 3 ماه است خانواده ام را ندیده ام. نه مرخصی میدهند نه پولی در جیب دارم. آخر ما چقدر باید صبر کنیم؟ شاید منظور حضرات اینست آنقدر صبر کنیم تا امام زمانشان ظهور کند! آیا سران این حکومت آدمکش، آیا یاری مدیر شرکت و همدستانش هم مثل ما کارگران در زجر و محنت و گرسنگی و محرومیت زندگی میکنند؟

هم اکنون در شرکت جنرال مکانیک بخش پروژه احداث بزرگراه حصارک - بلوار آسیا در غرب تهران بیش از 200 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای 3 ماهه، سفید امضا و یکطرفه و پایه دستمزدهای 303 هزار تومانی در 2 شیفت 12 ساعته و سنگین از 6 صبح تا 6 عصر و از 6 عصر تا 6 صبح مشغول به کارند. کمپ محل زندگی بیش از 60 نفر از کارگران شهرستانی بدون کمترین امکانات غذایی، بهداشتی و استراحتی در همین منطقه مستقر است و مابقی کارگران بدون امکانات سرویس و با مشکلات زیاد از شهرکها و زاغه نشینهای اطراف تهران خود را به محل کار میرسانند. شرکت جنرال مکانیک تحت نظارت باندهای مافیائی و دزد بنیاد مستضعفان حکومت اسلامی میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

17 آذر 1389 - 8 دسامبر 2010

## اخراج کارگران اعتصابی با اتهام "اخلال در پروژه های ملی"

همانطور که در اطلاعیه حزب در تاریخ 12 آبانماه اشاره کردیم، 1000 کارگر پروژه ای فازهای 15 و 16 و 17 و 18 پالایشگاههای گاز عسلویه در اعتراض به عقب افتادن چهار ماه دستمزد و اخراج دستجمعی، روز سه شنبه 10 آبانماه دست به اعتراض و اجتماع مقابل درب فازهای 16 و 17 زدند. در جریان این اعتراض تعدادی از کارگران را به جرم "اغتشاش" دستگیر کردند. کارگران در روز دوشنبه 9 آبان در فازهای 1 و 6 و 17 با اعتصاب در شکل کم کاری اعتراض کردند و بدنبال دستگیری دوستانشان در روز سه شنبه 10 آبانماه، روز چهارشنبه 11 آبان مجددا بیرون پالایشگاه تجمع کردند. کارفرما دلیل اخراج دستجمعی را تعطیلی پروژه بدلیل کمبود بودجه و نپرداختن حقوق کارگران را بدلیل عدم دریافت پول از طرف قرارداد عنوان کرده بود.

در همان سه شنبه شب 10 آبانماه و بدنبال مقادیری وعده و تهدیدهای فراوان، نیروهای امنیتی 30 نفر از کارگران را دستگیر میکنند. کارگران میگویند ما فقط دستمزدهایمان را میخواهیم و مخالف اخراج دستجمعی هستیم. در پاسخ به کارگران میگویند اعتصاب یعنی "اغتشاش"، یعنی "اخلال در پروژه های ملی"، یعنی "بخطر انداختن پروژه ها!"

این کارگران همراه دوستانشان یعنی همان جمعیت هزار نفره و در متن دعوای شرکت سپانیر وابسته به سپاه و شرکت پارس جنوبی وابسته به باندهای دیگر حکومتی برسر تصاحب قراردادهای و مسائل مالی اخراج شده بودند. اما از دستگیر شدگان مضاف به اخراج برای آزاد شدن از زندان تعهد کتبی میخوانند. مضمون تعهد این بوده که بار دیگر در هیچ تجمع کارگری شرکت نکنند و در محل کار به کارفرما اعتراض نکنند. اما در این تعهد همین اتهام یعنی "اخلال در پروژه های ملی" را بعنوان "دلیل اخراج" قید کردند. کارگران گرسنه و زندانی هم که نگران خانواده و هزار گرفتاری دیگر هستند ناچاراً زیر ورقه کدائی تعهد را امضا میکنند و آزاد میشوند. به بقیه کارگران هم که چهار ماه حقوق طلب دارند گفتند حقوق بی حقوق! و وعده دادند که "بعدها تسویه حساب میکنیم". کارگران به اجتماع و اعتراض شان پایان دادند به دو دلیل: اولاً اخراج شدند و دست شان به جانی بند نیست و فشاری نمیتواند وارد کنند. ثانیاً با پرونده ای که برای دوستانشان درست کردند و کار مجدد پیدا کردن را عملاً برایشان سخت کرده اند، از ترس اینکه چیزی در پرونده شان نوشته نشود فعلاً سکوت کردند.

این کارگران پروژه ای در اختیار صنایع انرژی و شرکت پیمانی سپانیر وابسته به قرارگاه خاتم الانبیا بودند. مدیر عامل شرکت مهندسی نفت و گاز سپانیر سردار غلامحسین خواجه علی است. این شرکت از جمله پروژه ساخت فازهای 15 و 16 را در قرارداد با شرکت نفت و گاز پارس جنوبی بعهده داشته که بدلیل دعوای درون حکومتی و ظاهراً بدلیل عدم تامین بودجه از بانک صنعت و معدن و عدم موافقت با تامین بودجه از طریق برداشت از حساب ارزی و همینطور بهانه تحریمهای اقتصادی از ادامه پروژه پا پس کشیده است. حقوق کارگران پروژه ای بنا به سطح تخصص و دانش فنی بین 300 الی 600 هزار تومان بوده است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

11 آذر 1389 - 2 دسامبر 2010

## مذهب زن ستیز است

سخنرانی آذر ماجدی در دانشگاه بریستول

روز سه شنبه 7 دسامبر 2010 بدعوت انجمن آنتیست های دانشگاه بریستول، آذر ماجدی سخنرانی ای با عنوان زن ستیزی مذهب در این دانشگاه ایراد کرد. آذر ماجدی در این سخنرانی عنوان کرد که تمام مذاهب ذاتاً زن ستیز هستند، خشونت را تبلیغ می کنند و گسترش میدهند و از تجاوز بعنوان سلاحی برای به شکست کشاندن "دشمن" شان و پاداش دادن به "سربازان مومن" شان استفاده می کنند. آذر ماجدی آنگاه در مورد اسلام بطور ویژه سخن گفت. او گفت که حجاب سمبل و ابزار به بردگی کشاندن زنان تحت اسلام است. آپارتاید جنسی یک ستون اصلی اسلام است که نه فقط زنان را تحقیر می کند و به بندگی می کشد، بلکه عقب گرد های مهمی به جامعه تحمیل می کند.

او گفت که سازمان آزادی زن برای محکوم کردن آپارتاید جنسی در مجامع بین المللی بعنوان یک نظام ارتجاعی، بمانند آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی، مبارزه می کند. او ضمناً در ممنوعیت حجاب دختران زیر سن قانونی صحبت کرد. آذر ماجدی تاکید کرد که حجاب باید همچون کار کردن کودکان و تنبیه بدنی آنها ممنوع اعلام شود. حجاب حقوق پایه ای کودک را لگد مال می کند. آذر ماجدی همچنین از ممنوعیت برقع در اماکن عمومی بعنوان یک سمبل تمام عیار تحقیر زنان و تبدیل آنها به موجوداتی بدون هویت و بدون چهره دفاع کرد.

آنگاه آذر در مورد جنبش آزادی زن در ایران صحبت کرد و به خیزش اخیر مردم اشاراتی نمود. او از شرکت کنندگان خواست که از مبارزات مردم ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی دفاع کنند. سپس اعلام کرد که تحریم اقتصادی و جنگ دو سلاح کشتار جمعی هستند که قبل از هر چیز مردم را قربانی می گیرند. باید با این دو روش ضد انسانی و ویرانگر مقابله نمود.

سخنان آذر ماجدی با استقبال گرم شرکت کنندگان روبرو شد.

سازمان آزادی زن

8 دسامبر 2010

زنده باد جنبش مجامع عمومی! زنده باد شوراهای کارگری!

اطلاعیه خبری

## کارگران شرکت دنیای تصویر هنر

دستمزدهای معوق!

بنا به خبر دریافتی، هم اکنون با گذشت 14 روز از پایان ماه بیش از 150 نفر از کارگران شرکت تصویر دنیای هنر بعلت کارشکنی و طفره رفتن عوامل کارفرما دستمزدهای مربوط به آبان ماه را دریافت ننموده اند. در دو هفته گذشته پیگیریها و اعتراض کارگران برای نقد شدن دستمزدها ادامه داشته است اما تا امروز مسئله پرداخت دستمزد کارگران همچنان مبهم و بلا تکلیف به قوت خود باقیست. "معماری" مدیر شرکت و همدستانش گاهی با تهدید و گاهی با عوام فریبی با وعده های دروغ و پوچ، کارگران را به امروز و فردا حواله میدهند.

یکی از کارگران معترض میگفت: همیشه میگویند نداریم، مملکت مشکل اقتصادی دارد و ... باید صبر کنید! آخر یکی نیست به این دروغ گویای بی وجدان بگه من که الان بچه ام مریضه و برای پول دوا و دکتر، برای نان شب، برای کرایه خانه و مخارج معطل مانده ام، چطوری صبر کنم؟ صاحبخانه به قدرت مامور های همین حکومت اسلامیشان جل و پلاسمون رو توی خیابان میندازه و فردا آگه بچه ام بر اثر سرما خوردگی مرد چطوری باید صبر کنیم؟ آیا معماری دزد و منفور و نزدیکانش، آیا پاسدارها و بسیجی ها و آخوندها و نمایندگان مجلس، آیا همه این مفتخورها مثل ما کارگران محرومند و زجر میکشن و صبر می کنند!؟

در شرکت دنیای تصویر هنر بیش از 150 نفر کارگر با قراردادهای سفید امضا و یکطرفه و پایه دستمزدهای 300 هزار تومانی از 9 صبح تا 6 عصر مشغول به کارند. اضافه کار اجباری از 6 عصر تا پاسی از شب و در روزهای تعطیل برقرار است. حدود 40 نفر را زنان کارگر بسته بند و سر پرست خانواری تشکیل میدهند که در ازای دریافت مزد ناچیز و کمتری نسبت به کارگران مرد در کارگاه منطقه خاک سفید تهران از صبح تا شب به بسته بندی مشغولند و اکثر این کارگران بر اثر فشار و یکنواختی کار بسته بندی به انواع بیماریهای مفاصل و آرتروز مبتلا شده اند.

شرکت تصویر دنیای هنر تهیه و توزیع کننده انواع سی دیها و فیلمهای مورد تائید حکومت اسلامیست. مدیران شرکت از قبل استعمار وحشیانه کارگران و در تبانی و زد و بند با عوامل حکومت اسلامی سرمایه داران در وزارت ارشاد سودهای میلیاردری به جیب میزنند و برای کارگران گرسنه اشک تمساح می ریزند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

16 آذر 1389 - 7 دسامبر 2010

## خانه حزب اتحاد کمونیسم کارگری در هلند

واحد هلند حزب اتحاد کمونیسم کارگری بمنظور تسهیل گردهمایی اعضای حزب و دوستداران کمونیسم کارگری "خانه حزب" را در هلند سازمان داده است. جلسه بعدی ما روز جمعه 10 دسامبر خواهد بود. در خانه حزب ادبیات و نشریات حزب در دسترس می باشد. شرکت برای عموم آزاد است.

روز جمعه 10 دسامبر منتظر حضورتان هستیم.

زمان از 13:30 تا 16:30

مکان: Amsterdam 1013ZD

Buurtcentrum de Horizon 50 -  
Zaandammerplein

برای استفاده از اتوبوس شهری آمستردام - از سنترال استیشن آمستردام میتوانید از اتوبوس زیر استفاده کنید:

Stadsbus 48

richting Station Sloterdijk

ایستگاه Westerdok

بهتر است آدرس را به راننده نشان دهید تا در ایستگاه مناسب پیاده شوید. از ایستگاه تا پاتوق 3 دقیق پیاده روی دارد. کسانی که با ماشین خود میایند میتوانند از کد پستی 1013 ZD استفاده نمایند و پلاک 50 را وارد کنند.

برای هماهنگی با تلفن: 0627310932 جمال ارژنگ تماس حاصل نمایند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری - واحد هلند

23 نوامبر 2010

## مجمع عمومی کارگری

کارگران در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید. مجمع عمومی ظرف دخالت مستقیم و مستمر توده کارگران است. مجمع عمومی رکن اساسی شوراهای کارگری است. جنبش مجامع عمومی منظم را تقویت کنید!

## رادیو ۲۴ ساعته "یک دنیای بهتر"

مشخصات رادیو ماهواره ای یک دنیای بهتر:

Satellite: TelStar 12 ,  
Transponder: 10 , Horizontal:  
QPSK 2/3 , Symbol Rate:  
19279

سایت رادیو:

<http://www.wupradio.org>

ای میل جدید رادیو:

[wup1917@mail.com](mailto:wup1917@mail.com)

"صدای کمونیسم کارگری" برنامه  
حزب اتحاد کمونیسم کارگری هر شب  
ساعت ۹ به وقت تهران از کانال رادیو  
یک دنیای بهتر پخش میشود.

به "صدای کمونیسم کارگری"، صدای کارگران  
کمونیست، صدای آزادیخواهی و برابری طلبی  
زنان و نسل جدید، صدای متعهد به حقیقت و  
مقابله با خرافات و ارتجاع سیاسی، صدای مبارزه  
برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد یک  
جامعه آزاد و خوشبخت سوسیالیستی گوش کنید و  
شنیدن آن را به دوستانتان توصیه کنید.

## یا کار یا بیمه بیکاری!

کارگران شاغل و بیکار! متحدانه  
علیه بیکاری بمیدان بیایید!

## اطلاعیه دوم کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری لیست کاندیدا های انتخابات سراسری

رفقا،

در زیر لیست کاندیداهای انتخابات سراسری کنگره اول را مشاهده می کنید. بزودی اوراق  
انتخاباتی همراه آیین نامه انتخابات برای تک تک اعضاء ارسال خواهد شد. پس از روشن  
شدن نتیجه انتخابات سراسری، انتخابات تشکیلات های مختلف برگزار خواهد شد. لطفاً اگر  
تا دو هفته آینده، یعنی تا 15 دسامبر یا 25 آذر ماه اوراق انتخاباتی را دریافت نکردید،  
بلافاصله با دبیر تشکیلات تان یا با ایمیل زیر تماس بگیرید .

[wup.congress@gmail.com](mailto:wup.congress@gmail.com)

کمیته تدارکات کنگره اول

اول دسامبر 2010- دهم آذر 1389

- |                    |                     |
|--------------------|---------------------|
| 22- مهدی ظاهری     | 1- بهار ابراهیمی    |
| 23- سیاوش عباسی    | 2- هما ارجمند       |
| 24- پروانه عسکریان | 3- لیلا احمدی       |
| 25- فریبرز علالدین | 4- محمود احمدی      |
| 26- سوسن علمی      | 5- جمال ارژنگ       |
| 27- جمشید عزیزی    | 6- توحید اقدامی     |
| 28- سیروان قادری   | 7- صادق امیر رحمانی |
| 29- پروین کابلی    | 8- احمد بابایی      |
| 30- مریم کوشا      | 9- جلیل بهروزی      |
| 31- مهرداد کوشا    | 10- اهورا پارسا     |
| 32- عباس کیاسا     | 11- کامران پایدار   |
| 33- آذر ماجدی      | 12- مجید پستانچی    |
| 34- سیامک مرادی    | 13- علی جوادی       |
| 35- سعید مدانلو    | 14- فخری جواهری     |
| 36- فریدون ناظمی   | 15- سیاوش دانشور    |
| 37- مریم نریمانی   | 16- نوید ذکریایی    |
| 38- بهرام نظری نیا | 17- سیامند رحمانی   |
| 39- پدرام نواندیش  | 18- نسرين رمضانعلی  |
| 40- شراره نوری     | 19- بابک زحمتکشان   |
| 41- شهلا نوری      | 20- جهان صادقی      |
| 42- کریم نوری      | 21- علی ظاهری       |

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!